

قصه ماه پیشونو

(۳۱ قصه ایرانی در ۶۳ روایت)

ناهنرهای

ناشر:

فرهنگ عامه

جهازی، ناهید، ۱۳۴۹
 عنوان و نام پدیدآور: قصه ماه پیشونو: ۳۵ قصه ایرانی در ۶۳ روایت / ناهید جهازی.
 کرمان: انتشارات فرهنگ عامه، ۱۳۹۲. ۲۱۸ص: جدول.
 وضعیت فهرست نویسی: فیفا
 عنوان دیگر: ۳۵ قصه ایرانی در ۶۳ روایت
 موضوع: افسانه ها و قصه های ایرانی - مجموعه ها
 موضوع: ادبیات عامه ایرانی
 رده بندی کنگره: ۱۳۹۲ عقی ۹۳/ج ۳۹۹۳ PIR
 رده بندی دیویی: ۳۹۸/۲۰۹۵۵
 ISBN: 978-600-93898-2-7
 فهرست نویسی: اساس اطلاعات فیفا
 شماره کتابشناسی: ۳۳۷۰۰۶

نشر فرهنگ عامه

قصه ماه پیشونو

گردآوری و تدوین: ناهید جهازی

چاپ اول: بهار ۹۳

شمارگان: ۱۵۰۰

صفحه آرای: قلم زرین کرمان

چاپ: لوح

فرهنگ عامه، تلفن: ۰۹۱۲۸۶۸۲۸۲۳ - ۰۹۱۳۹۳۹۸۷۳۳

دفتر تهران: فیابان استاد نجات الهی - جنب دانشگاه پیام نور، پلاک ۱۰

farhange_ame@yahoo.com

ISBN: 978-600-9898-2-7

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۳۸۹۸-۲-۷

قیمت: ۱۲۵۰۰ تومان

حق چاپ برای ناشر محفوظ است

فهرست مطالب

نام قصه	شماره صفحه	کد جهانی
مقدمه	۷	—
روایه و کلاغ	۱۰	۵۶ A
میش و شتر [روایت اول]	۱۲	۱۰۳ C
خرم [روایت دوم]	۱۳	—
گرگ و گوسفند [روایت اول]	۱۵	۱۲۲ J
پلنگ تعلیند [روایت دوم]	۱۷	—
قصه بز زنگوله پا [روایت اول]	۱۸	۱۲۳
شنگول و منگول [روایت دوم]	۲۱	—
شنگول و منگول [روایت سوم]	۲۲	—
بره و میش [روایت چهارم]	۲۵	—
روایه حیلہ گر	۲۷	۱۷ [روایه رفقای خود را می خورد]
قصه گنجشک [روایت اول]	۲۹	— [شتر و خر]
ملیج (گنجشک) [روایت دوم]	۳۱	—
شتر، الاغ و خروس	۳۳	۲۱۴ [شتر و خر]
سگ و روایه [روایت اول]	۳۶	—
سگ و شغال [روایت دوم]	۳۷	—
روایه و لاک پشت	۳۹	—
روایه و رنگرز	۴۰	—
گرگ و روایه	۴۲	—
ملک جمشید و ملک محمد	۴۳	۳۰۳ [درویش خبیث]

نمدی و دیو بدکار روایت اول]	۴۵	A ۳۱۱ نمکی و دیو]
قصه نمکو روایت دوم]	۴۸	—
نمکو روایت سوم]	۵۳	—
قصه هفت دختران	۵۶	۳۲۷ بچه ها و دیو]
جوان و عزرائیل	۶۱	۳۳۲ عزرائیل]
قصه غم و جمبرا روایت دوم]	۶۵	-----
عمه خرس است روایت اول]	۶۹	B ۳۳۲ عمه گرگ است]
کدو	۷۱	A ۴۰۹ دختر کدویی]
قصه گازر	۷۳	۴۵۹ شاهزاده عاشق عروسک می شود]
بیدار کردن بخت سیه روایت اول]	۷۶	۴۶۱ در طلب خوشبختی]
افسانه مردی که دنبال بختش می گشت روایت دوم]	۸۰	—
فرشته شانس روایت سوم]	۸۲	—
مومرم دم بختم روایت چهارم]	۸۵	—
قصه ماه پیشونی روایت اول]	۸۹	۴۸ ماه پیشونی]
قصه ماه پیشونی روایت دوم]	۹۴	—
قصه دختر ماه ستاره روایت سوم]	۱۰۰	—
تهمت مادر ظاهرا بچه های خودش را می کشد	۱۰۶	۷۰۶
روباہ حیلہ باز و آسیابان روایت اول]	۱۱۴	۵۴۵ روباه مددکار]
تنبولک (میمون) روایت دوم]	۱۱۷	—
آلتین توپ	۱۲۱	۵۹۰ مادر خواهر حیلہ گر
رفیق شلغمی و چغندری روایت اول]	۱۲۷	۶۱۳ خیر و شر]
راه و نیم راه روایت دوم]	۱۳۰	—

قصه های محلی پسران پادشاه	۱۳۲	۶۵۵ [برادران زیرک]
بلبل سرگشته [روایت اول]	۱۴۲	۷۲۰ [برادر مقتول به صورت بلبل]
قصه بلبل جان [روایت دوم]	۱۴۴	—
عزیز الهی	۱۴۸	۷۵۹
قصه قاطرچی [روایت اول]	۱۵۰	۷۸۰ [نر راز جنایت را کشف می کند]
قصه قاطرچی [روایت دوم]	۱۵۳	—
نیروی [روایت اول]	۱۵۷	۸۸۱ [نجاتی که مکر را به اثبات رسید]
کچل تنوری [روایت دوم]	۱۶۲	—
اول سوال کن بعد جواب بده [روایت اول]	۱۷۱	B ۹۱۰ [پندهای مفید، شتاب نکن]
انسان و سرنوشت [روایت اول]	۱۷۳	۹۳۰ [پیشگویی]
تاجر و مأمور پیشانی نوشت [روایت دوم]	۱۷۷	—
سرنوشت [روایت سوم]	۱۸۰	A ۹۳۴ [پیشگویی سه نوع مرگ]
قصه حسن کچل	۲۰۰	۹۴۰ [شاه می خواهد دزد را پیدا کند]
قصه حسن کچل	۲۰۰	۱۵۰۵ [بسفند از دریا]
حکایت ای داد ای بیداد	۲۰۳	۶۴۵ [روایت گنج]
دختر تنبل	۲۰۶	—
فهرست اعلام	۲۰۹	—

❖ کتاب جهانی بر اساس کتاب طبقه‌بندی قصه‌های ایرانی نوشته‌ی اولریش رولف گردآوری شده است.

قصه‌ها را که ما آن را افسانه جادویی می‌نامیم، داستانی است که در جهانی غیرواقعی رخ می‌دهد، مکان و شخصیت‌های معین ندارد و سرشار از رخداد‌های شگفت و پویا می‌باشد. در افسانه‌های عامیانه زاویه دید معمولاً سوم شخص مفرد است. اشیاء و شخصیت‌ها در فضا توصیف نمی‌شوند بلکه اعمال قهرمان و سایر شخصیت‌های افسانه روایت می‌شود. درون‌مایه اصلی افسانه‌ها جدال ابدی نیکی و بدی است که قدمت آن به اسطوره‌آرایی‌ش برمی‌گردد. سایر خصلت‌های افسانه‌ها عبارت است از: مبالغه و اغراق، این بخش شخصیت‌های تغییرناپذیر و ثابت، فانتزی، خیال‌یافی، وجود اشیا و شخصیت‌های جادویی، غلبه عنصر سرگرمی بر سایر عناصر، اعتقاد به عنصر تقدیر و سرنوشت، اختار ساده، حضور قشرهای مختلف و مطلق‌گرایی، شکل ساده و ابتدایی، انتقال نقلی و روایتی است، همچنین تأکید بر حوادث خارق‌العاده، عدم تحول و تکامل شخصیت‌ها و گردش ماجرا بر محور حوادث خلق‌الساعه از ویژگی دیگر افسانه‌ها می‌باشد. پهرمانان این سرزمین‌های غیر واقعی پلشتی‌ها را از میان برمی‌دارند، قلمرو پادشاهان را تسخیر می‌کنند، با شاهزادگان ازدواج می‌کنند، به تجربیات گرانبغدی در زمین‌های بی‌دست می‌یابند و در پایان به شناخت و آگاهی می‌رسند. شخصیت‌های افسانه‌ها دارای خصوصیات فراانسانی هستند و در مواردی به شکل شاهزادگان، دیوها یا حیوانات سخنگو یا جادوگران ظاهر می‌شوند. با خلق شخصیت در افسانه‌ها، راوی سعی در تصویر ویژگی‌های برجسته انسانی و فرا انسانی دارد و در پرداختن به این امرگاه با تأکید بر عمل انجام گرفته از طرف شخصیت و گاه با قراردادن شخصیت در یک ماجرای خاص و بسط آن ماجرا، باعث پیشبرد افسانه می‌شود، اما روند

روایت افسانه به هر صورت که انجام گیرد، شخصیت می‌بایست دارای خصوصیات قابل قبول انسانی و تا اندازه‌ای دارای انگیزه منطقی در رفتار باشد.

در عناصر داستان چهار نوع شخصیت را می‌توان دید. شخصیت‌های افسانه‌ها معمولاً قراردادی و کلیشه‌ای هستند و خصوصیتی ثابت و ایستا دارند. بعضی از عناصر مانند صفات و ویژگی‌های شخصیت‌های افسانه متغیر است و آنها را اثر هم نمایز می‌کند، این ویژگی‌ها؛ سن، جنس، مقام، منصب اجتماعی، شکل، قیافه و سایر خصوصیات فیزیکی را در برمی‌گیرد. در افسانه‌ها، شخصیت‌ها را نمی‌توان از نحوه ملامت سخن گفتنشان از همدیگر تشخیص داد. زنان مانند مردان صحبت می‌کنند و کودکان مانند بزرگسالان، تنها اختلاف آنها طرز سلوک و رفتار بی‌باکانه و حاضر جوابی آنهاست. افسانه را می‌توان روایتی ساخته ذهن بشر دانست که خواست‌ها و نیازهایش در قالب شخصیت‌هایی فوق‌العاده مطرح می‌سازد تا بلکه بتواند توسط قهرمان افسانه‌ها، روان و آرزوهایش جامه عمل ببوشاند.

شخصیت‌ها در افسانه‌های کهن با همه شباهت‌های شگفت‌انگیز و مبالغه‌آمیز در رابطه منطقی با خود و پیرامون خود هستند. در افسانه‌های عامیانه شخصیت‌ها به روشنی ترسیم می‌شوند و اعمال آنها نشان‌دهنده افکار و آمال آنها می‌باشد. مجموعه حاضر بر اساس اسناد موجود در گنجینه «فرهنگ مردم» که زیر نظر استاد ابوالقاسم انجوی شیرازی در رادیو تولید می‌شده، گردآوری شده است. این قصه‌ها از سال ۱۳۶۰ به بعد توسط مردم برای برنامه فرهنگ مردم استفاده شد. شیوه کار نگارش این مجموعه بر اساس بازنویسی افسانه‌ها استوار است. بسیاری از افسانه‌های این مجموعه در دهه شصت و هفتاد برای برنامه فرهنگ مردم استفاده شده‌اند، اما گردآورندگان آن از دهه چهل و پنجاه با این برنامه همکاری نداشته‌اند، به همین دلیل در این مجموعه ممکن است از یک راوی چندین افسانه وجود داشته باشد.

این راویان با پایدردی خود باعث حفظ و انتقال فرهنگ معنوی کشورمان به آیندگان شده اند. در پایان این مجموعه رابه تمام راویان گمنام ولی عاشق افسانه های این سرزمین تقدیم می کنم.

ناهید جهازی

مهرماه ۱۳۸۷

www.ketab.ir

۵۶۸

روباه و کلاغ

یکی بود یکی نبود، غیر از خدا هیچ کس نبود. یک کلاغ نادانی بود. روی یک درخت خانه درست کرده بود. یک روباه حيله گر هم با او آشنا شده بود. کلاغ خانه درست کرد و در آن تخم گذاشت. یک روز روباه حيله گر آمد و به او گفت: «رفیق چطوری؟» کلاغ گفت: «الحمدالله، خوب هستم.» روباه گفت: «بچه هایت چطورند؟ آن ها را پایین بینداز تا ببینم چطورند.» کلاغ نادان بیچه ها را انداخت. روباه آمد آن ها را خورد و کلاغ نگاه کرد، روباه همین طور چندین بار آمد و بچه های او را خورد. کلاغ گفت: چه فایده ای دارد؟ باید از اینجا بروم. کلاغ رفت و رفت تا به یک کوه رسید و یک لاشخور دید. لاشخور جلو او را گرفت و گفت: «چرا سلام نکردي؟» کلاغ گفت: «ناراحت هستم.» لاشخور گفت: «چرا ناراحتی؟» کلاغ گفت: «من حيله گر روی یک درخت خانه درست کردم و تخم گذاشتم و تخم هایم جوجه شدند. یک روباه آمد به من گفت بچه های تو چطورند؟ من گفتم خوب هستند. روباه به من گفت: آن ها را پایین بینداز تا ببینم چطور هستند و من هم آن ها را انداختم، اسم آن ها را خورد و من ترسیدم حرف بزنم.» لاشخور به کلاغ گفت: «این کار که تری نکرد، دوباره برو سرجای خودت خانه درست کن، اگر روباه آمد و گفت بچه هایت را خورد هستند بگو خوب هستند و هر غلطی می خواهی بکن. روباه نمی تواند بالای درخت بیاید، ترس هم بیاید تو که پرواز می کنی چطور می تواند به تو کاری بکند؟» کلاغ آمد و سرجای خود لانه درست کرد و تخم گذاشت، آن تخم ها جوجه شدند و روباه حيله گر آمد و گفت: «رفیق کجا بودی؟ بچه هایت چطور هستند؟» کلاغ گفت: «بچه هایم بیاید و خوب هستند.» روباه به او گفت: «یکی از آن ها را پایین بینداز تا ببینم.»

کلاغ گفت: «برو دور شو» روباه ناراحت شد و گفت: «الان بالای درخت می آیم و تو را می خورم.» کلاغ گفت: «برو هر کاری از دست برمی آید بکن» روباه ناراحت شد و تا نصفه درخت بالا آمد و دوباره پایین افتاد، بعد گفت: «الان می روم لباس های جنگی پدرم را می پوشم و می آیم.» روباه رفت خودش را داخل